

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی

موسی عنبری^۱، سارا غلامیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

بی‌تفاوتی اجتماعی با شاخص‌هایی مانند کناره‌گیری مدنی و سهیم نشدن در مسائل و موضوعات زندگی اجتماعی، دلسردی، تفکیک عامدانه منافع شخصی از خواسته‌های عمومی و عام‌المنفعه، بی‌اعتنایی نسبت به رخدادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تعریف می‌شود. پژوهش حاضر، موضوع بی‌تفاوتی را با روش پیمایشی در میان ساکنین بالای ۱۸ سال دو منطقه‌ی شهری (محله‌ی قزل‌قلعه - منطقه‌ی ۶ تهران) و روستایی (نظام‌آباد اسلام‌شهر) سنجیده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بی‌تفاوتی اجتماعی بیش از آنکه به عوامل و متغیرهای فردی نسبت داده شود، تابعی از ادراکات و تفسیرهای اجتماعی افراد خاصه میزان اعتماد عمومی، رضایت اجتماعی، حس بی‌هنجاری در جامعه، تقدیرگرایی و احساس بی‌عدالتی بوده است. در این میان، اثرگذاری متغیرهای «بی‌اعتمادی» در جامعه‌ی شهری و «نارضایتی اجتماعی» در جامعه‌ی روستایی بارزتر بوده است. به این معنا که افراد با بی‌تفاوتی بالاتر، در مقایسه با دیگران، جامعه را بی‌هنجارتر و قانون‌گریزتر دیده‌اند. از سوی دیگر، هرچه میزان اعتماد ایشان به جامعه، سازمان‌ها و گروه‌ها، بیشتر شده و از فرایندهای اجتماعی راضی‌تر بوده‌اند، نسبت به مسائل و رخدادهای اجتماعی نیز، حساسیت بیشتری داشته‌اند. یعنی بی‌اعتمادی و نارضایتی خود به مثابه شاخصی همگرا با بی‌تفاوتی عمل کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: بی‌تفاوتی، بی‌تفاوتی اجتماعی، بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، احساس خوداثربخشی

۱. دانشیار گروه مطالعات توسعه دانشگاه تهران؛ anbari@ut.ac.ir
۲. کارشناس ارشد توسعه اجتماعی؛ sr.gholamian@gmail.com

مقدمه

موضوع بی تفاوتی اجتماعی در کنار سایر مفاهیم مهم در علوم اجتماعی خاصه حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی، جایگاهی مورد اعتنا دارد. همواره گفته می‌شود؛ یکی از شروط اساسی و لازم برای پیشرفت جامعه، توسعه همه جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل (فرد - جامعه - دولت) دوری از بی تفاوتی اجتماعی است که متأسفانه در کشورهای جهان سومی مانند ایران، کمتر به این مقوله توجه می‌شود. این در حالی است که افزایش بیش از حد بی تفاوتی اجتماعی در هر جامعه و کشوری به حتم، جامعه را با مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی روبرو می‌سازد که نهایت آن، گسیختگی و فروپاشی اجتماعی است.

بیان مساله

واقعیت این است که هرچند وقت یک‌بار، حوادثی در کشور رخ داده است که واکنش و ارتباط مردم با آنها قابل بررسی و تحلیل است. برخی از مهمترین این حوادث که در رسانه‌ها انعکاس زیاد داشته‌اند، عبارتند از حادثه‌ی میدان کاج، قتل دانشجویی در پل مدیریت^۱، خودسوزی در میدان انقلاب^۲ و... جالب است که در این موارد، واکنش مردم به موضوع، بیشتر نگاه کردن و زود گذشتن از کنار آن بوده است؛ عدم تمرکز بر مسائل اجتماعی و سیاسی پیرامون خود و بی تفاوتی نسبت به مسائل عمومی جامعه از جمله مباحث مهمی است که در تحلیلهای سیاسی-اجتماعی کشور مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است. قطعاً این تمرکز تاکید به دلیل اهمیت موضوع صورت گرفته است. در سطح جهانی محققان به این نتیجه رسیده‌اند که هر چقدر بی تفاوتی بیشتر باشد، بی‌نظمی، فقدان مشروعیت نظام اجتماعی و ... بیشتر خواهد بود.

اهداف

هدف مقاله سنجش ارتباط متغیر بی تفاوتی اجتماعی با سایر عوامل موثر بر آن از جمله رضایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی، احساس خوداثربخشی اجتماعی، تقدیرگرایی،

1. <http://fa.wikipedia.org>

2. <http://www.khabaronline.ir/news-169252.aspx>

احساس بی‌عدالتی اجتماعی، ابزارهای ارتباطی (رسانه‌ها، اینترنت، ماهواره و...) و متغیرهای زمینه‌ای است.

ضرورت و اهمیت

اگر آثار مکتوب در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در کشور را جستجو کنیم، در می‌یابیم که تاکنون سازمانی خاصی از انجام پیمایش با این عنوان حمایت نکرده است، اگرچه ممکن است بر اهمیت آن به عنوان یک مسئله تاکید شده است. اگر مطالعات مربوط به بیگانگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی را با ادبیات بی‌تفاوتی اجتماعی همسو ببینیم، می‌توانیم برای این موضوع سابقه پژوهشی پیدا کنیم. اما به طور خاص درباره بی‌تفاوتی اجتماعی مقالاتی در روزنامه‌های کشور به چاپ رسیده است، که عمدتاً نیز در پی ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از موضوع بوده اند (محسنی تبریزی، صداقتی فرد، ۱۳۹۰؛ خاکپور، ۱۳۷۸؛ مسعود نیا، ۱۳۸۰).

از آنجا که بی‌اعتنایی افراد یا گروه‌های جامعه به مشکلات یکدیگر و همچنین به مسائل و مشکلات جامعه، که معمولاً از بیگانگی اجتماعی، احساس عدم اثربخشی، نارضایتی و عدم اعتماد نسبت به دیگران ناشی می‌شود به مرور زمان موجب کاهش پاسخ‌گویی و احساس مسئولیت، همچنین موجب ایجاد نا هنجاری‌هایی در ساختار اجتماع از جمله قدرت‌گیری مجرمان، افزایش خشونت در جامعه، به خطر افتادن امنیت و افزایش فساد اداری (رشوه، اختلاس...) خواهد شد، این عوامل رفته رفته، افراد اجتماع را که به عنوان عناصر تشکیل دهنده اجتماع به شمار می‌آیند نسبت به موضوعات و مسائل اجتماعی بدبین و نسبت به آینده ناامید و انزوا طلب خواهد کرد. فردی که نسبت به جامعه احساس بی‌تفاوتی کند، بی‌گمان از انواع جمع‌های هدف‌دار اجتماعی کناره‌گیری می‌کند.

این مقاله به بررسی، عوامل موثر بر بی‌تفاوتی شهروندان و روستائیان در محله‌های شهر و روستایی استان تهران می‌پردازد.

چارچوب مفهومی و نظری

مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی^۱ ترجمه فارسی اصطلاح انگلیسی "Social apathy" است. در زبان فارسی از این اصطلاح ترجمه‌های گوناگونی شده است، گاهی آن را "بی‌قیدی اجتماعی"

1. Social apathy

(فیروزبخت و بیگی ۱۳۷۴) و "بی احساسی"، "بی حالی" یا "بی عاطفگی اجتماعی" (ساروخانی ۱۳۲۸:۲۴) ترجمه کرده اند. ساروخانی برای این موضوع، واقعه سال ۱۹۸۴ ایالات متحده را مثال آورده که در جریان آن، لاقل ۳۸ نفر شاهد کشتار زنی در شهر نیویورک بودند، بدون آنکه کوچکترین واکنشی نشان دهند. برای این مفهوم، معادلهای "بی علافگی و خونسردی" (ابراهیم زاده، ۱۳۵۱)، بی دردی (فاطمی، ۱۳۶۴)، دلمردگی (بریجانیان، ۱۳۷۱) بی تفاوتی (مسعودنیا، ۱۳۸۰)، نیز آمده است (نقل در صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۳)

دربرخى تحقیقات در ایران (مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۶۷)، در تعریف جامعه‌شناختی مفهوم "بی تفاوتی"، از مفاهیم مقابل آن مانند مشارکت و درگیری استفاده شده است از این رو بی تفاوتی با عزلت گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار، هم معنی قرار گرفته است. در برخی تحقیقات دیگر (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۶)، نوعدوستی در مقابل بی تفاوتی قرار داده شده است.

در برخی نوشته ها، بی تفاوتی اجتماعی مترادف با عزلت گزینی، بی علافگی و عدم مشارکت افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنا شده و در تحلیل خود آن را مقابل علاقه اجتماعی، درگیری^۱ در فعالیت های اجتماعی، روان‌شناختی، و سیاسی قرار داده شده است (دث و الف، ۲۰۰۰؛ نقل در صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۱۰)

واقعیت اینست که بی تفاوتی انواعی دارد و بر اساس دلیل علت‌های رخداد، می‌توان آنها را تقسیم بندی نمود: اولین نوع آن بی تفاوتی دردنیای مدرن است. بی تفاوتی‌ای که از فردگرایی توسعه یافته این دنیا برمی‌خیزد و زیمل و گافمن نیز تحت عنوان "بی توجهی مدنی"^۲ به آن اشاره داشته اند. «به طور مثال تصور کنید سوار اتوبوس و یا تاکسی هستیم و کنار دستی‌مان مشغول مطالعه‌ی کتابی است، باز هم رفتار معمول این است که به صفحه باز کتاب او سرک نکشیم و یا در حالی که کنار یکدیگر نشسته‌ایم و بدن‌هایمان در مجاورت یکدیگر قرار گرفته، آداب اجتماعی حکم می‌کند، تا جایی که می‌توانیم به گونه‌ای رفتار کنیم که این «کنار هم نشینی اجباری» (که به تماس بدن‌هایمان منجر شده است) را برای یکدیگر در حالتی کاملاً محو و کم رنگ جلوه دهیم؛ طوری که حضور فیزیکی‌مان برای بغل دستی، «به مثابه بدن یک انسان» احساس نشود و باز در مثالی دیگر می‌توانیم از نحوه‌ی ارتباط گیری دورادور و با ملاحظه‌ی با

1. Involvement
2. Civil Inattention

همسایگان یاد کنیم که احتمالاً سعی می‌شود حد بالای ارتباط همان سلام و علیک‌های تشریفاتی و کلیشه‌ای باشد، بی‌آنکه فرصت و یا نیازی به ارتباط گیری بیشتر داشته باشیم و یا اصلاً ضرورتی برای این کار ببینیم. البته این گفته‌ها به این معنا نیست که نشود «بی‌تفاوتی مدنی» را در شهرهای بزرگ زیر پا گذاشت و فرضاً با همشهریانی که نمی‌شناسیم رفتاری به دور از آداب اجتماعی خاص شهرهای بزرگ را داشت. مطمئناً می‌توان آنرا حذف کرد اما با پرداخت هزینه‌ای سنگین.» (روحی، ۱۳۸۹)

نوع دیگر بی‌تفاوتی، فقدان حس همدردی است، بسیار زمانی که شنیده میشود که کسی تصادف کرده و چون کنار خیابان پرت شده و کسی او را به بیمارستان نرسانده فوت کرده است، یا حوادثی مانند حادثه‌ی میدان کاج یا حادثه‌ی خودسوزی میدان انقلاب ... بر این اساس می‌توان گفت، بی‌تفاوتی حالتی است که ما با خودمان فکر می‌کنیم حتماً کسان دیگری وظیفه و مسئولیت دارند. وضعیت اطراف بر ایمان اهمیتی ندارد. بی‌اعتنایی افراد یا گروه‌های جامعه به مشکلات یکدیگر و همچنین به مسائل و مشکلات جامعه، که معمولاً از بیگانگی اجتماعی، احساس عدم اثربخشی، نارضایتی و عدم اعتماد نسبت به دیگران ناشی می‌شود، باعث ایجاد نا هنجاری‌هایی در ساختار اجتماع خواهد شد. این عوامل رفته رفته، افراد اجتماع را که به عنوان عناصر تشکیل دهنده همان اجتماع به شمار می‌آیند نسبت به موضوعات و مسائل اجتماعی بدبین و نسبت به آینده ناامید و انزوا طلب خواهد کرد. فردی که نسبت به جامعه احساس بی‌تفاوتی کند، احتمال دارد که از همه انواع مشارکت کناره گیری کرده و به صف افرادی که کاملاً بی‌تفاوت هستند بپیوندد و یا اینکه در سطوح مختلف جامعه مشارکت فعال نداشته باشد. مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی با مفهوم بیگانگی نیز تفاوت دارد و نباید به جای یکدیگر به کار بروند. «بیگانگی مبین نوعی احساس بی‌قدرتی و تنفر از خود و مردم میباشد که کنیستون^۱ آن را عکس‌العملی تعریف می‌کند که نسبت به تنفرهای جمعی، فشارهای اجتماعی و زیان‌های تاریخی می‌شود و به دنبال آن برخی از این افراد متمایل به طرد جامعه‌ی خود شده و مسیر مشخصی را برای خود تشکیل می‌دهند... میچل نیز، بیگانگی را به معنای انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی و عینی بین فرد و محیط پیرامون او (یعنی جامعه، انسان‌های دیگر و خود) تعریف می‌کند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۲: ۳۲).

معمولا جامعه‌شناسان در تعریف بی‌تفاوتی غالبا به عوامل اجتماعی اثرگذار در بی‌تفاوتی اشاره دارند و عواملی مانند ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، نقش‌ها، یا بطور کلی ساخت اجتماعی، قشربندی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، قومیت و... را در بروز پدیده مهم می‌دانند. روانشناسان به عوامل فردی نظیر انگیزه‌ها، قابلیت‌های فردی، عزت نفس، علاقه‌مندی، احساس اعتماد، احساس اثرگذاری، احساس کارایی و... نظر دارند؛ اقتصاد دانان به شرایط و بسترها و ظرفیت‌های اقتصادی جامعه و فرد (درسطوح کلان و خرد) و رفتارهای اقتصادی افراد توجه نشان می‌دهند، اندیشمندان سیاسی معمولا به شکل حکومت، چگونگی توزیع قدرت، ساخت قدرت، وجود یا نبود مشخصه‌های دموکراسی، اپوزیسیون‌ها، احزاب، گروه‌های سیاسی و... توجه دارند» (مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۶۷-۱۶۸)

«در تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی که غالبا با تعبیر بیگانگی اجتماعی در نظر جامعه‌شناسان کلاسیک یادشده است، زیمیل به خصلت زندگی شهری نوین (ممتاز، ۱۳۷۹)، دورکیم به پدیده آنومی و ضعف هنجاری در جامعه مدرن (توسلی، ۱۳۸۲)، تونیس و وبر به گسترش کنش‌های مبتنی بر عقلانیت مدرن (وبر، ۱۳۷۴، مارکس، ۱۳۷۳) به انزوای کارگران به دلیل خصلت تولید سرمایه داری، و زنانیکی و تامس در نظریه نظام گسیختگی اجتماعی به مسئله‌ی ضعف هنجارها (توسلی، ۱۳۸۲) اشاره کرده اند. «صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۵) «مارکس، الیناسیون را «بیگانگی»^۱ و «بیگانه بودن با خویش»^۲ معنی می‌کند و آن را فراق انسان از فرآورده خویش، از خویشتن خویش، جامعه‌ی خویش و سرشت خویش می‌داند. (مارکس، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۳۰) «منظور مارکس از خود بیگانگی این است که انسان خود را مانند کارگزاری نمی‌بیند که بر پایه‌ی درک خودش از جهان عمل کند، بلکه جهان (طبیعت، دیگران و خود او) برای او بیگانه اند. « (کوزر، ۱۳۸۲: ۴۰۱)

مارکس (۱۳۸۲: ۱۳۰-۱۳۱) صرفا از بیگانگی انسان از طبیعت سخن نمی‌گوید بلکه به چهار جنبه عمده این مفهوم اشاره دارد: ۱- انسان از طبیعت بیگانه شده است ۲- از فعالیت خودش بیگانه شده است ۳- (از وجود نوعی خویش بیگانه شده است ۴- انسان از انسان بیگانه شده است (از سایر انسانها). شیء یا محصول کار در مقابل کار به عنوان چیزی بیگانه و قدرتی مستقل از تولیدکننده قد علم می‌کند. محصول کار در شیء تجسم یافته و عینیت یافته، اما واقعیت

1. Estrangement
2. Entfremdung

یافتگی کار عینیت یافتن آن است، واقعیت یافتگی به شکل از دست دادن واقعیت، عینیت یافتن به شکل از دست دادن شیء و بندگی در برابر آن به شکل جدایی یا بیگانگی پدیدار می‌گردد.

ملوین سیمن^۱ (۱۹۵۹: ۷۸۳) می‌نویسد «بیگانگی اجتماعی احساس یا وضعیتی است که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه به اشکال گوناگون: احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری^۲، احساس بی‌معنایی^۳، انزوای اجتماعی^۴، تنفر فرهنگی^۵ و تنفر از خود را بروز می‌دهد. از دید او «احساس بی‌هنجاری وضعیتی است که طی آن فرد با سطح بالایی از انتظار این را بر خود متصور می‌دارد که نزدیک شدن به اهداف مورد دلخواه، تنها در گرو اعمال و رفتارهایی است که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده نیستند.» (همان: ۷۸۸)

«آبرل^۶ در بیان عوامل سقوط جامعه از تهدید «بی تفاوتی»، سخن می‌گوید. (ریترز، ۱۳۸۴: ۱۲۷-۱۲۸). لیپست ولرنر بی‌تفاوتی اجتماعی را نقطه‌مقابل مشارکت اجتماعی - سیاسی قرار می‌دهند. رابرت دال (۱۳۹۲؛ ۱۹۸۳) با دسته بندی افراد جامعه، بر دلایل پیدایش طبقه بی تفاوت تاکید می‌کند. او در تبیین بی تفاوتی و مقوله نزدیک به آن یعنی مشارکت در جوامع جدید، قضایایی مشابه با جامعه‌شناسی تبادلی را مطرح می‌سازد، یعنی همانگونه که در روابط میان افراد، مادیات تبادل می‌شوند، فراشدهایی مانند علائق اجتماعی و دوستی‌ها نیز با یکدیگر مبادله می‌شوند. در واقع میتوان شرایط موثر بر شکل‌گیری مشارکت را به طور معکوس جهت روشن سازی مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی به کار برد.

معمولا از ویژگی‌های جوامع توسعه نیافته را فقدان همدلی (empathy) گویند، اینکه افراد توانایی همدلی با نقش‌هایی در مراتب منزلتی یا طبقه‌ای دیگر را ندارند. اگر بتوانیم تحلیل بلندمدت کنیم و همه چیز را در ساختارهای خود بسنجیم، منفعت قلیل در دسترس را بخاطر منفعت کثیر دورتر نپذیریم، متصف به این صفت شده ایم. طبق نظر لرنر و راجرز در جوامع گذار کمتر این صفت در میان جوامع جا افتاده است. در واقع در این مورد می‌توان بی‌تفاوتی (apathy) را نقطه‌ی مقابل همدلی دانست.

1. Melvin Seeman
2. Normlessness
3. Meaningless
4. Social Isolation
5. Culture Estrangement
6. Aberl

جدای از دیدگاه‌های موجود، بی‌تفاوتی اجتماعی را میتوان در دو شکل کنش و واکنش ارزیابی و تعریف کرد. در علم فیزیک هر کنشی را واکنشی است. برای مثال اگر توپی را به طرف زمین پرتاب کنیم در اثر واکنش زمین توپ به طرف بالا یعنی در جهت عکس حرکت خواهد کرد و هر چه نیروی کنش یعنی پرتاب توپ به طرف زمین بیشتر باشد واکنش زمین بیشتر خواهد بود و با یک معادله ساده ما می‌توانیم با در نظر گرفتن زاویه و نیروی پرتاب توپ واکنش زمین یعنی حرکت توپ به سمت مخالف را محاسبه کنیم، کنش یک رفتار هدفمند است که بر اساس هنجاری که فرهنگ آن را تعیین می‌کند قابلیت اجرا پیدا می‌کند، بنابراین بی‌تفاوتی علیرغم اینکه یک مسئله منفی است اما تابعی از قواعد است و اهدافی در آن مستتر است. بنابراین فرد بی‌تفاوت اولاً اهدافی دارد. در واقع در ابتدا باید بررسی کنیم که چگونه او برای رسیدن به اهداف خود به یک راه ناصواب دست زده است. «واکنش را می‌توان، کنشی تعریف کرد که نه لزوماً ناشی از چارچوبی عقلانی و فکر شده، بلکه حاصل، پاسخی عاطفی، احساسی و اغلب «خودکار» و دست کم «خودانگیخته» به کنشی دیگر باشد. واکنش‌ها در زنجیره‌هایی پیوستاری قرار می‌گیرند که می‌توانند دائماً تداوم یابند. بدین ترتیب، هر کنشی ممکن است به دیگر منجر شود. چرخه‌های باطل عموماً چنین پیوستارهایی را در معنایی آسیب‌شناختی می‌سازند.» (فکوهی، ۱۳۹۰)

به طور کلی بی‌تفاوتی را میتوان در انزوا، خودگرایی فرصت طلبانه، بی‌توجهی به طرح‌های مدنی و عدم مشارکت در طرح‌های اجتماعی، سیاسی نیز مشاهده کرد. از این منظر می‌توان بی‌تفاوتی را به دو نوع بی‌کنشی و بدکنشی تعبیر کرد: «بی‌تفاوتی سیاسی، هم ریشه «حسی» دارد و هم ریشه «حرکتی». در عرصه «حسی»، ما با دو عارضه روبه‌رو هستیم: یکی، حساسیت نداشتن یا «بی‌حسی» که عمدتاً در عرصه خبر و کسب اطلاع بروز می‌کند؛ یعنی جامعه دچار بی‌حسی می‌شود و به «خبر»هایی که در سرنوشتش تأثیرگذار است، حساسیت ندارد و برایش فرقی نمی‌کند. دوم، «بدحسی»؛ به این معنا که حساسیت دارد، اما گیرنده‌هایش دچار «بدحسی» است و به درستی دریافت نمی‌کنند. به عبارت دیگر، به درستی به اولویت‌ها توجه نمی‌شود و به جای این‌که برایش مهم باشد قانونی که در مجلس می‌گذرد، چه تأثیری دارد، توجهش به این جلب می‌شود که این قانون، چه امتیازات و جوایز یا شانس‌هایی برایش می‌آورد؛ یعنی همه چیز یک رغبت فردی و شخصی دارد؛ بنابراین، شکاف بین او و مقدرات کشور یا شکاف بین سرنوشت فرد و سرنوشت ملی به وجود می‌آید.» «حال در پی این بی‌حسی و بدحسی، دو نوع واکنش

داریم؛ یکی بی‌واکنشی؛ یعنی کاری به هیچ چیز ندارد. در تاریخ ایران در زمان‌هایی این بی‌واکنشی را داشته‌ایم و گاهی در موقعیت بدواکنشی هستیم؛ یعنی سیستم حسی جامعه، تمام عیار عمل نمی‌کند. انگار بخشی از آن تعطیل است و در دریافت پیام‌ها، گزینشی عمل می‌کند وقتی جامعه بدواکنش می‌شود، واکنش‌های آن یا منفعلانه (آنومیک و ناهنجاری) است یا مقاومت‌گرایانه. گونه‌های مقاومت‌گرایانه در شرایطی است که احساس نسبت به حاکمیت، احساس عدم مشروعیت است. البته ظاهرش این است که کاری نمی‌کند، اما با بسیاری از کارنکردن‌ها، تلاش می‌کند واکنش نشان دهد. مثلاً به روش‌های گوناگون از قانون فرار می‌کند؛ مالیات نمی‌دهد، ضربه می‌زند یا هنجارهای اجتماعی را می‌شکند، در برخوردی سطحی، گمان می‌شود جامعه نیاز به آموزش دارد، ولی واقعیت آن است که جامعه میدانند و خود را به ندانستن می‌زنند، واکنش منفی یا مقاومت‌گرایانه نشان می‌دهد. (پورنجاتی: ۱۳۸۶).

در پژوهشی با عنوان "پژوهشی درباره‌ی بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران" با تاکید بر شهر تهران (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰)، سنجش همبستگی این متغیر با متغیرهای قومیت، شغل، و تحصیلات؛ تحقیقات حاصله نشان داد بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی در میزانی بالاتر از حد متوسط وجود دارد و سطح آن به ترتیب با نوسانات پنج متغیر التزام مدنی، فردگرایی، بی‌هنجاری، رضایت اجتماعی، و محرومیت نسبی تغییر می‌کند.

در تحقیقی دیگر با عنوان "بررسی بی‌تفاوتی و نועدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن" کلانتری و همکاران، (۱۳۸۶)، نتایج حاصله نشان داد در مواجهه با حالت‌های اضطراری ۷۵/۳٪ از شهروندان نועدوست و ۲۴/۷٪ بی‌تفاوتند. به علاوه گروه نועدوست در مقایسه با گروه بی‌تفاوت دارای همدلی بیشتر، مسئولیت پذیری بیشتر، و تحلیل هزینه - پاداش کمتر است.

فرضیات تحقیق

با توجه به مطالعات موجود، پژوهش حاضر فرض ارتباط بی‌تفاوتی اجتماعی با متغیرهای زیر را سنجیده است:

۱- اعتماد اجتماعی .

۲- خود اثربخشی اجتماعی

۳- رضایت اجتماعی

۴- تقدیرگرایی

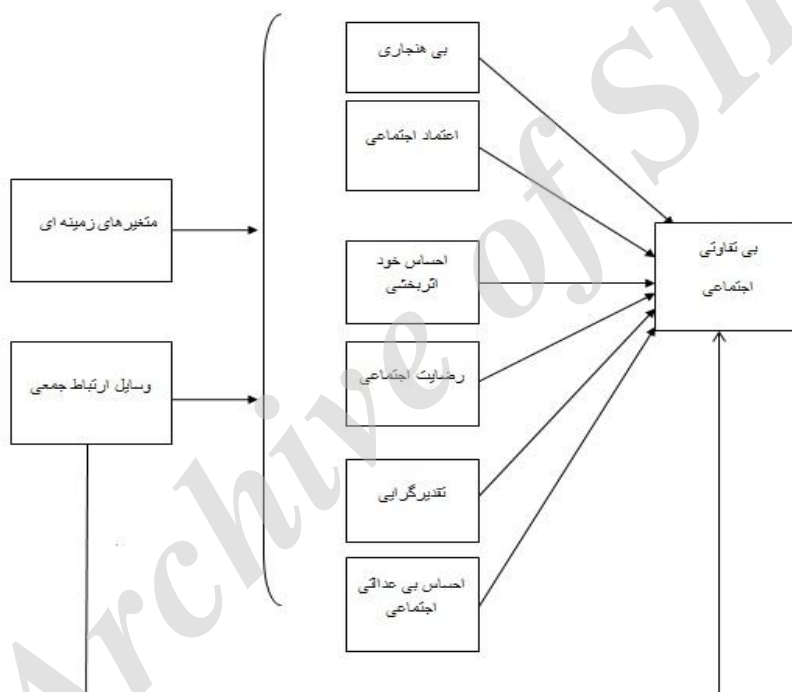
۵- احساس بی‌هنجاری (آنومی)

۶- احساس بی‌عدالتی

۷- متغیرهای زمینه‌ای

۸- وسایل ارتباط جمعی

در جستجوی مدل تحلیل



در مدل بالا متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی را متغیری وابسته و متغیرهای زمینه‌ای و وسایل ارتباط جمعی دارای ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با بی‌تفاوتی اجتماعی فرض شده است. منظور از ارتباط غیرمستقیم تاثیر این دو متغیر بر روی عواملی چون بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، تقدیرگرایی، احساس بی‌عدالتی اجتماعی و احساس خود اثربخشی میباشد.

روش مطالعه

به اقتضای موضوع و ماهیت تحقیق از روش کمی استفاده شده است، از آنجا که در مطالعات توسعه بدون انجام تحقیق کیفی، شناخت حاصل از جامعه ناقص و سطحی خواهد بود، روش‌های گوناگون کیفی می‌تواند سطح اطلاعات قابل تعمیم حاصل از روش‌های پیمایش را کمی عمق بخشیده و اطلاعات جانبی زیادی را گرد آورد؛ بدین جهت از تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه ... تا حد ممکن استفاده شده است. برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری (شناسایی اعتبار شاخصها یا معرفهای پژوهش از طریق مراجعه به داوران و متخصصان) استفاده شده است. برای اطمینان از اعتبار صوری پرسشنامه، از تکنیک تحلیل عاملی (شاخص kmo و آزمون بارتلت) نیز استفاده شده است. همچنین اعتبار پایایی وسیله اندازه‌گیری نیز از طرق مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد از جمله: روش آزمون-آزمون مجدد، تکنیک فرم‌های موازی، روش نصف به نصف کردن، روش کودر-ریچاردسون و روش آلفای کرونباخ

در این تحقیق نمونه‌ی آماری در جامعه‌ی شهری و هم روستایی، افراد بالای ۱۸ سال در نظر گرفته شده است، چرا که سن مشارکت اجتماعی مورد نظر تحقیق بیشتر توسط افراد بالای ۱۸ سال صورت می‌گیرد؛ برای تعیین حجم نمونه در این تحقیق با توجه به امکانات و هزینه‌ها جهت تکمیل پرسش‌نامه از فرمول نمونه‌گیری کوکران که در زیر می‌آید استفاده شده است:

حجم نمونه در شهر:

$$n = \frac{(2675)(1.96)^2 - (0.5)(0.5)}{(2675)(0.07)^2 - (1.96)^2(0.5)(0.5)} \cong 183$$

حجم نمونه در روستا:

$$n = \frac{(1116)(1.96)^2 - (0.5)(0.5)}{(1116)(0.07)^2 + (1.96)^2(0.5)(0.5)} \cong 167$$

براساس فرمول بالا حجم نمونه در شهر ۱۸۳ نفر و در روستا ۱۶۷ نفر می‌باشد که ما در این تحقیق هرکدام را به ۲۰۰ فرد افزایش دادیم. برای انجام کار نمونه‌گیری با مراجعه به ناحیه‌ی ۴ شهرداری منطقه‌ی ۶ و هم چنین سامانه‌ی آمار و اطلاع رسانی (در شهر) و دفتر دهیاری و شورای اسلامی روستا و همچنین سامانه‌ی آمار و اطلاع رسانی (در روستا) ابتدا اقدام به

نمونه‌گیری به روش سهمیه ای و سپس بعد از مشخص شدن تعداد سهمیه زنان و مردان به نمونه‌گیری سیستماتیک جهت انتخاب افراد مورد آزمون پرداختیم

$$\text{فاصله نمونه‌گیری} = \frac{\text{حجم جمعیت}}{\text{حجم نمونه}}$$

در نمونه‌گیری سیستماتیک (در شهر) نیز ابتدا با روش تصادفی ساده در شهر از میان ۱۳ نفر اول یک نفر را انتخاب کرده سپس با انتخاب اولین فرد به عنوان مبنای کار (عدد ۸) سیزده نفر سیزده نفر جلو رفته و افراد نمونه را مشخص کردیم.

$$13,3 = \frac{2675}{200} = \text{فاصله‌ی نمونه‌گیری}$$

و در روستا بعد از تهیه لیست افراد روستا از دهیاری و شورای اسلامی روستا، نیز با استفاده از نمونه‌گیری سیستماتیک از میان ۶ نفر اول یک نفر را انتخاب کرده سپس با انتخاب اولین فرد به عنوان مبنای کار (عدد ۵) شش نفر شش نفر جلو رفته و افراد نمونه را مشخص کردیم.

$$5,58 = \frac{1116}{200} = \text{فاصله‌ی نمونه‌گیری}$$

تعریف عملیاتی متغیرها

ابتدا به تعریف متغیر وابسته یعنی بی‌تفاوتی اجتماعی می‌پردازیم: محققانی چند، بی‌تفاوتی اجتماعی را در معنای نظری مترادف با عزلت‌گزینی، بی‌علاقگی و عدم مشارکت افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنا کرده‌اند. در تعریف عملیاتی این تحقیق، بی‌تفاوتی بر مبنای سه شاخص مورد توجه قرار گرفته است: نخست بی‌تفاوتی در معنای "به فکر خویش بودن" و مسئول زندگی خود بودن، دوم بی‌توجهی نسبت به پیرامون از نیازمندان گرفته تا اموال عمومی و سوم بی‌توجهی به مسائل کلان و کشوری از جمله نمایندگان دولت و مجلس و....

در فرضیات تحقیق، عوامل زیر، بعنوان متغیرهای مستقل فرض شده‌اند:

اعتماد اجتماعی: «به لحاظ نظری مفهوم اعتماد اجتماعی مهمترین بعد سرمایه اجتماعی است. اعتماد، نظم، همبستگی در اندیشه کلاسیک‌های جامعه‌شناسی مانند دورکیم، وبر، تونیس، مهمترین

مفاهیم بوده است. در تعریف عملیاتی این پژوهش، اعتماد اجتماعی با دو شاخص مورد سنجش قرار گرفت: نخست «اعتماد عمومی» که در ارتباط با تعاملات اجتماعی با مردم از جمله اعتماد به دیگران، امانت دادن ... مورد بررسی قرار گرفته است و دوم «اعتماد به نهادها» از جمله آموزش پرورش، درمانگاه‌ها و تعاونی‌ها و غیره.

احساس رضایت اجتماعی: رضایت از زندگی تا حد زیادی بستگی به شرایط فردی دارد، اما تأثیر عوامل اجتماعی در افزایش یا کاهش آن بسیار مؤثر است. جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هم‌نوعانی که باعث ایجاد آرامش و امنیت وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد؛ رضایت کلی از زندگی، ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی است و در واقع خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که وی را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند می‌باشد. در این تحقیق، احساس رضایت اجتماعی بر مبنای دو شاخص محوری رضایت فردی سنجیده شده است: نخست، آنچه مربوط به زندگی فرد، مسکن و محل زندگی و... اوست و دوم رضایت از اوضاع اجتماعی از جمله زندگی در کشور، امکانات رفاهی و فرهنگی جامعه.

احساس خود اثربخشی اجتماعی: این مفهوم، مقابل واژه بی‌قدرتی است «احساس بی‌قدرتی زمانی وجود دارد که فرد احتمال می‌دهد که عملش بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را برآورده نسازد» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۲: ۶۹). احساس خوداثربخشی اجتماعی در تعریف عملیاتی این تحقیق، بر مبنای گویه‌هایی از جمله «مشارکت در امور اجتماعی»، «عضویت در انجمنها»، «احساس کارا بودن در تصمیمات اجتماعی» و «باور به عدم واگذاری صرف تصمیمات به دولت‌مردان» سنجیده شده است.

بی‌هنجاری (آنومی): آنومی یا بی‌هنجاری به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست می‌دهد. رابرت مرتن مفهوم آنومی را به فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی درستی قرار گیرند بر رفتار افراد وارد می‌آید. در این تحقیق، بی‌هنجاری بر مبنای گویه‌هایی از جمله «اعتقاد به بی‌تأثیر رای و نظر مردم در تصمیمات کشوری»، «فقدان نظم و باور به بهم‌ریختگی شرایط اجتماعی»، «مبهم دانستن آینده»، مورد بررسی قرار گرفته است.

تقدیرگرایی: « تقدیرگرایی درک فرد نسبت به عدم توانایی اش در کنترل آینده است. فرد سرنوشت گرا معتقد است سرنوشت او از قبل تعیین شده است و قادر به تغییر سرنوشت خویش نیست، در سرنوشت گرایی مفرط همه ی امور و پدیده ها در زندگی آدمی به نیروها و عوامل فوق انسانی و متافیزیک نسبت داده میشود و هرچیزی از زندگی فرد مبتنی بر شانس و اقبال و تصادف و سرنوشت است به گونه ای که فرد هیچ نقشی در بسیاری از امور و مسیرهای زندگی خود ندارد.» (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۱۸)

در این تحقیق تقدیرگرایی بر مبنای شاخص‌هایی از جمله «اعتقاد به سرنوشت»، «شانس» و «باور به تاثیر تلاش افراد» مورد سنجش قرار گرفته است.

احساس بی عدالتی: در اینجا با استناد به تحقیقات پیشین احساس بی عدالتی اجتماعی بر مبنای گویه هایی از جمله «اعتقاد به اجرای صحیح قوانین کشوری در برخورد با تخلفات اداری»، «باور به توزیع عادلانه خدمات و رفاه در تمام قشرها»، «اعتقاد به اجرای شایسته‌سالاری» و مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۱: ضرایب پایایی گویه ها برای ساخت سنجۀ اندازه گیری بی تفاوتی اجتماعی

متغیر مستقل و وابسته	ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ)
بی تفاوتی اجتماعی	0.88
اعتماد اجتماعی	0.74
رضایت اجتماعی	0.76
بی هنجاری (آنومی)	0.78
احساس بی عدالتی	0.83
تقدیرگرایی	0.71
خوداثربخشی اجتماعی	0.73

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

نمونه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل جمعیت بالای ۱۸ سال در شهر و روستا بوده است که در ذیل به توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دو گروه پرداخته شده است.

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

روستا		شهر		متغیرهای جمعیت‌شناختی	
درصد فراوانی مطلق	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	فراوانی مطلق		
45.0	90	39.0	78	مرد	جنس
55.0	110	61.0	122	زن	
100.0	200	100	200	جمع	
23.0	46	34.0	68	۱۹-۲۷	سن
27.5	55	41.5	83	۲۸-۳۶	
29.0	58	12.5	25	۳۷-۴۶	
6.0	12	7.5	15	۴۷-۵۶	
11.0	22	4.5	9	۵۷-۶۵	
3.5	7			۶۵ به بالا	
100.0	200	100.0	200	جمع کل	
28.0	56	64.0	128	مجرد	وضعیت تاهل
71.5	143	33.0	66	متاهل	
.5	1	3.0	6	مطلقه	
100.0	200	100.0	200	جمع کل	
20.5	41	1.0	2	بی سواد	تحصیلات
48.0	96	12.0	24	زیر دیپلم	
17.0	34	24.5	49	دیپلم	
9.5	19	20.5	41	فوق دیپلم	
5.0	10	33.5	67	لیسانس	
		8.5	17	تکمیلی	
100.0	200	100.0	200	جمع کل	

ادامه جدول ۳. ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان

روستا		شهر		متغیرهای جمعیت شناختی
درصد فراوانی مطلق	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	فراوانی مطلق	
11.0	22	10.5	21	بیکار
7.0	14	48.5	97	دانشجو
44.0	88	32.0	64	شاغل
6.5	13	3.5	7	بازنشسته
31.5	63	5.5	11	خانه دار
100.0	200	100.0	200	جمع کل
46.5	93	28.5	57	زیر ۵۰۰۰۰۰
39.5	79	53.5	107	از ۵۰۰ هزار تا ۱.۰۰۰.۰۰۰
14.0	28	16.0	32	از ۱.۰۰۰.۰۰۰ تا ۱.۵۰۰.۰۰۰
100.0	200	2.0	4	بالای ۱.۵۰۰.۰۰۰
46.5	93	100.0	200	جمع

تعداد زنان در مناطق مورد مطالعه بیشتر از تعداد مردان بود. به همان نسبت در نمونه‌گیری نیز، سهم زنان افزایش یافته است. اکثریت افراد مورد مطالعه، زنان بوده‌اند. در منطقه‌ی شهری (محله‌ی قزل قلعه) ۳۹٪ مردان و ۶۱٪ را زنان تشکیل داده و در منطقه‌ی روستایی (نظام آباد اسلام شهر) ۴۵٪ مردان و ۵۵٪ را زنان تشکیل داده‌اند.

در منطقه‌ی شهری کم سن ترین پاسخ دهنده ۱۹ساله و بزرگ سالتترین فرد ۶۵ساله که عمده پاسخ گویان در دسته سنی ۲۸ تا ۳۶ سال قرار داشته ند. و در منطقه‌ی روستایی کم سن ترین پاسخ دهنده ۱۸ساله و بزرگ سالتترین فرد ۷۰ساله بوده است که عمده پاسخ گویان در دسته ۴۶ تا ۳۷ سال قرار داشتند.

عمده‌ی پاسخ گویان در شهر مجرد و در روستا متاهل بوده‌اند.

متغیر میزان تحصیلات را در قالب ۶مقوله (بیسواد،زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، تحصیلات تکمیلی) طبقه‌بندی کردیم که در منطقه‌ی شهری عمده پاسخ گویان دارای مدرک

لیسانس و سپس دیپلم ولی در منطقه‌ی روستایی نتایج حاصله نشان می‌دهد که عمده پاسخگویان زیر دیپلم بوده‌اند.

اطلاعات وضعیت اشتغال را نیز در ۵ رده اصلی (بیکار، دانشجو، شاغل، بازنشسته و خانه دار) تقسیم کرده‌ایم که در منطقه‌ی شهری عمده‌ی پاسخ گویان در دسته دانشجویان و سپس شاغلین و در منطقه‌ی روستایی عمده پاسخ گویان در دسته شاغلین و سپس خانه دار قرار داشته‌اند. در شهر تهران (محل‌ی قزل قلعه) نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد از پاسخ گویان در حد متوسط به بالا دارای بی‌تفاوتی اجتماعی‌اند؛ در محل‌ی قزل قلعه ۴۴٪ درصد از پاسخ گویان، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی شان در حد بالا و ۳۶٫۵٪ آنان در حد متوسط بوده است. و همین طور در روستای نظام آباد اسلام شهر بیش از ۷۰ درصد از پاسخ گویان در حد متوسط به بالا دارای بی‌تفاوتی اجتماعی بوده‌اند ..

ب) یافته‌های تحلیلی

هدف پژوهش بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی، احساس رضایت اجتماعی، تقدیرگرایی، بی‌هنجاری اجتماعی (آنومی) خود اثربخشی اجتماعی، احساس بی‌عدالتی اجتماعی، ابزارهای ارتباطی (رسانه‌ها، اینترنت، ماهواره و...) و متغیرهای زمینه‌ای بر بی‌تفاوتی اجتماعی بوده است.

جدول ۴. بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای و بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروستا

سطح معناداری sig		آزمون آماری یا روش همبستگی	روابط میان متغیرهای مستقل با وابسته	متغیرهای زمینه‌ای
روستا	شهر			
0.000	0.644	آزمون t	آزمون رابطه بین جنس و بی‌تفاوتی اجتماعی	
0.000	0.191	پیرسون	آزمون رابطه بین سن و بی‌تفاوتی اجتماعی	
0.009	0.262	F و شفه	آزمون رابطه بین اشتغال و بی‌تفاوتی اجتماعی	
0.490	0.145	F	آزمون رابطه بین تاهل و بی‌تفاوتی اجتماعی	
0.120	0.453	F	آزمون رابطه بین میزان تحصیلات و بی‌تفاوتی اجتماعی	
0.320	0.311	پیرسون	آزمون رابطه بین میزان درآمد و بی‌تفاوتی اجتماعی	
0.000	0.000	پیرسون	استفاده از وسایل ارتباطی و بی‌تفاوتی اجتماعی	

جدول ۵. بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی نام برده شده و متغیر بی تفاوتی اجتماعی در شهروستا

سطح معناداری sig		آزمون آماری یا روش همبستگی	روابط میان متغیرهای مستقل با وابسته	متغیرهای مستقل اصلی
روستا	شهر			
0.000	0.000	پیرسون	آزمون رابطه بین اعتماد اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی	
0.000	0.001	پیرسون	آزمون رابطه بین رضایت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی	
0.001	0.000	پیرسون	آزمون رابطه بین بی هنجاری اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی	
0.998	0.050	پیرسون	آزمون رابطه بین تقدیرگرایی و بی تفاوتی اجتماعی	
0.000	0.000	پیرسون	آزمون رابطه بین احساس بی عدالتی اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی	
0.086	0.909	پیرسون	آزمون رابطه بین احساس خوداثربخشی و بی تفاوتی اجتماعی	
0.000	0.000	پیرسون	استفاده از وسایل ارتباطی و بی تفاوتی اجتماعی	

اهم یافته های تحقیق به قرار زیر است:

۱- ارتباط سن و بی تفاوتی اجتماعی در شهر واضح و روشن نبوده است ولی در روستا این ارتباط تایید شده است، بدین معنا که در روستا هرچه قدر سن بالاتر رفته، میزان بی تفاوتی اجتماعی نیز بیشتر شده است که این موضوع با توجه به اینکه انسانها در جوانی از نشاط بیشتری برخوردار هستند و انگیزه های بیشتری دارند در نتیجه بی تفاوتی اجتماعی کمتری دارند معنی دار میباشد.

۲- ارتباطی میان وضعیت اشتغال و بی تفاوتی اجتماعی در شهر دیده نشده است ولی در روستا این چنین ارتباطی وجود داشته، بدین معنا که در روستا، افراد شاغل نسبت به بقیه و با نسبت کم دارای بی تفاوتی اجتماعی بیشتری هستند، و شاید بتوان اینگونه تعبیر کرد که افراد در هنگام شاغل به کاری بودن بیشتر از دیگران وقتشان پر خواهد بود و به علت دغدغه های کاری، محافظه کارتر خواهند بود در نتیجه بی تفاوتی اجتماعی بیشتری را نشان داده ند.

۳- ارتباطی مشخص میان وضعیت تاهل، جنس، وضعیت تحصیلی و درآمد و بی‌تفاوتی اجتماعی نه در شهر و نه در روستا دیده نشده است، بدین منظور که بی‌تفاوتی اجتماعی وابسته به این عوامل نبوده است.

۴- یافته‌ها نشان داده است متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی تابعی از متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی، میزان تقدیرگرایی و میزان احساس بی‌عدالتی بوده است؛ بدین صورت که هم در شهر و هم در روستا هرچه میزان اعتماد اجتماعی بالاتر بوده، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش یافته است. (ارتباط معکوس میان بی‌تفاوتی اجتماعی و اعتماد اجتماعی)، در واقع اعتماد اجتماعی که از شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی می‌باشد، هرچه بیشتر باشد بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد.

هم در شهر و هم در روستا هرچه میزان رضایت اجتماعی بالاتر بوده است، بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش یافته است. (ارتباط معکوس میان بی‌تفاوتی اجتماعی و رضایت اجتماعی)، به صورتیکه هرچه قدر احساس رضایت افراد از محیط و اوضاع زندگیشان بیشتر باشد به همان میزان احساس تعلق آنان نیز بیشتر می‌شود و بی‌تفاوتی اجتماعی آنان نسبت به محیط اطراف کاهش می‌یابد.

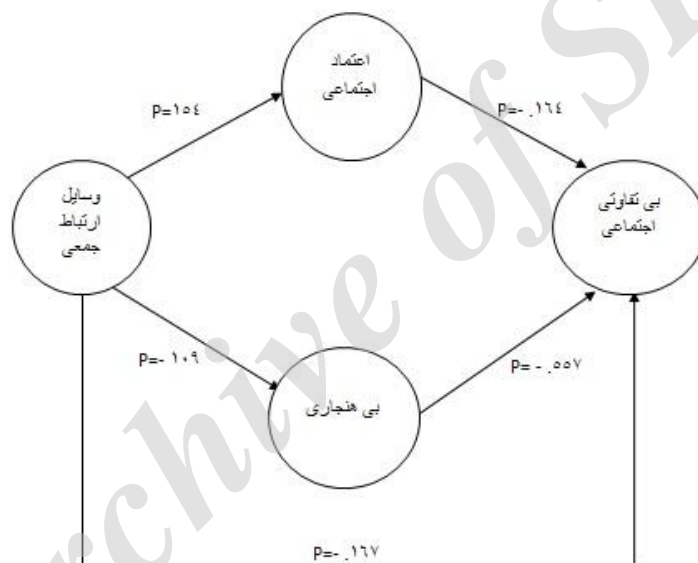
هرچه قدر فاصله‌ی میان اهداف فرد و راه‌های رسیدن به آن اهداف بیشتر باشد افراد دچار بی‌هنجاری بیشتری می‌شوند و در نتیجه بی‌تفاوتی اجتماعی آنان افزایش می‌یابد.

در شهر هرچه میزان تقدیرگرایی بالاتر بوده است، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی نیز افزایش یافته است. (ارتباط مستقیم میان بی‌تفاوتی اجتماعی و تقدیرگرایی) یعنی هر چه قدر فرد معتقد به این دیدگاه باشد که هر چیزی از زندگی فرد مبتنی بر شانس و اقبال و تصادف و سرنوشت است به گونه‌ای که فرد هیچ نقشی در بسیاری از امور و مسیرهای زندگی خود ندارد و به عنوان کنشگری منفعل و بی‌اراده تابع نیروهایی است که او را در فکر و رفتار هدایت می‌کنند، در نتیجه فرد دچار بی‌تفاوتی اجتماعی بیشتری شده است.

هم در شهر و هم در روستا هرچه احساس بی‌عدالتی بالاتر باشد، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. (ارتباط مستقیم میان بی‌تفاوتی اجتماعی و احساس بی‌عدالتی)

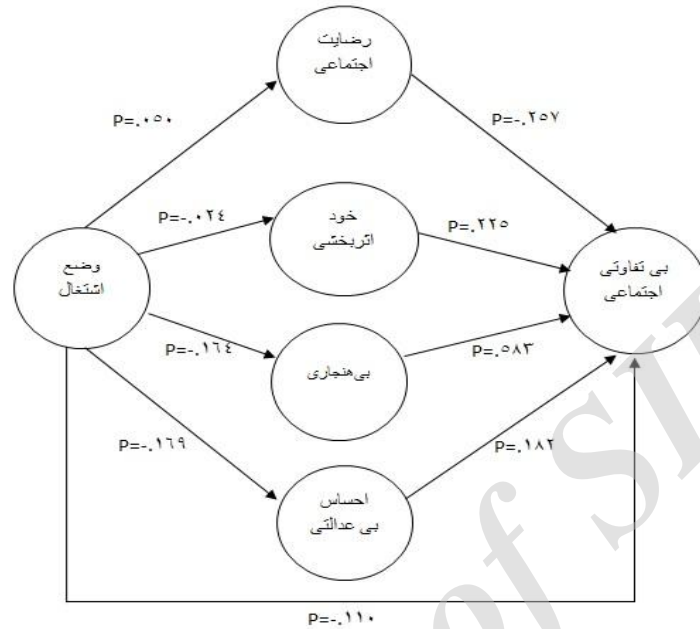
در شهر هرچه استفاده از وسایل ارتباطی بیشتر بوده است، بی تفاوتی اجتماعی کاهش یافته است، ولی در روستا هرچه استفاده از وسایل ارتباطی بیشتر شده است، بی تفاوتی اجتماعی نیز افزایش یافته است.

در واقع در شهر حدود ۵۰ درصد و در روستا در حدود ۷۰ درصد از واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی از طریق متغیرهای مستقل تبیین و توجیه شده است و مابقی متعلق به سایر متغیرهایی است که در این مطالعه لحاظ نشده است. در نمودار زیر مدل تحلیل مسیر عوامل موثر بر بی تفاوتی اجتماعی (شهر) نشان داده شده است.



نمودار بالا مدل نهایی تحلیل مسیر بی تفاوتی اجتماعی را نشان می‌دهد در این مدل متغیرهای مستقل را که در رگرسیون چندمتغیره معنادار بوده‌اند وارد شده‌اند همانطور که که جدول نشان می‌دهد بی هنجاری بیشترین تاثیر مستقیم و وسایل ارتباطی کمترین تاثیر مستقیم را بر بی تفاوتی اجتماعی داشته‌اند.

در زیر مدل تحلیل مسیر عوامل موثر بر بی تفاوتی اجتماعی (روستا) نشان داده شده است.



نمودار بالا مدل نهایی تحلیل مسیر بی‌تفاوتی اجتماعی را نشان می‌دهد در این مدل متغیرهای مستقل را که در رگرسیون چندمتغیره معنادار بوده‌اند وارد شده‌اند همانطور که جدول نشان می‌دهد بی‌هنجاری بیشترین تاثیر مستقیم و رضایت اجتماعی کمترین تاثیر مستقیم را بر بی‌تفاوتی اجتماعی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری و بحث

اتفاقاتی در کشور رخ داده است (مثل خودسوزی در میدان انقلاب، حادثه‌ی میدان کاج (چاقو کشی در انظار عمومی)، پرونده‌ی قتل دانشجو در پل مدیریت و...) که می‌تواند نشانه‌هایی از رواج بی‌تفاوتی مردمی باشد؛ نتیجه یک نظر سنجی تلفنی (مرکز مطالعات و تحقیقات همشهری) در ارتباط با حادثه میدان کاج بیان می‌کند: ۴۵ درصد پاسخ‌گویان، معنای بی‌تفاوتی اجتماعی را اهمیت ندادن به مسائل اجتماعی بیان کردند. ۲۱ درصد بی‌توجهی به مشکلات شخصی دیگران، ۱۲ درصد بی‌مسئولیتی و ۱۱ درصد اهمیت قائل نشدن به سرنوشت خود را بی‌تفاوتی اجتماعی تلقی کردند^۱.

¹<http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=42946>

واکنش افراد نسبت به هر واقعه یا حادثه متناسب با موضوع و ریسک مداخله می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. مثلاً واکنش‌ها نسبت به مداخله در درگیری خیابانی، دعوت برای اهدای خون، کمک به فردی که به دنبال آدرسی می‌گردد و مشارکت در یک جنبش اجتماعی ممکن است کاملاً متفاوت باشد، اگرچه این فرض هم محتمل است که افراد بی‌تفاوت می‌توانند نسبت به همه این موارد تنها ناظری منفعل باشند. در هر حال واکنش افراد نسبت به رویدادهای اجتماعی تا حد زیادی تحت تاثیر نگرش آنها نسبت به قربانی یا نیازمند، جامعه و... است.

همدلی یا عدم همدلی ناظر نسبت به نیازمند سهم بسزایی در بی‌تفاوتی یا نوع‌دوستی او دارد، با استناد به نظریه ی لرنر همدلی به معنای توانایی خود را به جای دیگران قرار دادن نقش مهمی در توجه و اعتنا و مشارکت افراد در حیات اجتماعی دارد، مشخص است که هر چه افراد توانایی این را داشته باشند که خود را به جای دیگران و در موقعیت آنها قرار دهند به همان میزان توانایی مشارکت، نوع‌دوستی و توجه و اعتنای اجتماعی در آنها بالاتر و به طبع میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در آنها کمتر خواهد شد، به عنوان مثال در صورت وقوع یک فاجعه طبیعی در ایران (به طور مثال در زلزله‌ی اخیر آذربایجان) یا کشور دیگر، ایرانی‌ها نسبت به نیازمندان ایرانی واکنش فعال‌تری داشته‌اند. اگر ناظر نسبت به جامعه احساس از خودبیگانگی داشته باشد به احتمال زیاد تمایل به بی‌تفاوتی خواهد داشت. احساس تنهایی و انزوا، بی‌معنایی و پوچی، بی‌هنجاری و بدبینی از نشانه‌های بیگانگی از جامعه است.

البته این نکته رو نیز باید در نظر گرفت که در مواقع بحرانی کم‌خطر (به طور مثال زلزله‌ی اخیر آذربایجان) واکنش افراد بسیار متفاوت‌تر از زمان‌های عادی خواهد بود و در نتیجه میبایست معیار ما از بی‌تفاوتی اجتماعی چندگانه باشد. (یعنی در مواقع عادی و دیگر در مواقع بحرانی کم‌خطر و در مواقع بحرانی پرخطر (مانند حادثه‌ی میدان کاج) منفک از هم باشد). همان طور که آمارها نشان داده شده است کمک‌های ارسالی به آذربایجان در این روزها نسبت به روزهای اولیه ۸۰ درصد کاهش یافته است.

در این تحقیق دو سوال زیر را مطرح کرده ایم:

۱- "اگر در جاده‌ای تصادفی رخ داده باشد و مقصر فرار کرده باشد و مجروح در حالت

اورژانسی باشد شما مصدوم را به بیمارستان می‌رسانید؟"

۲- "اگر در حادثه ای هم چون حادثه‌ی میدان کاج، شما حضور داشتید، آیا به مصدوم کمک میکردید؟"

اکثر پاسخ‌گویان به سوال اول پاسخ آری و به سوال دوم پاسخ خیر داده بوده‌اند و عدم همخوانی سوال دوم با سایر سوالات موجب حذف این گویه شد. این پاسخ نشان از آن دارد که مردم ما در حادثه‌ای که خطرناک باشد به جان خودشان آسیب برسد و پلیس نیز حضور جدی داشته باشد خود به تنهایی اقدام نخواهند کرد. این دلیل در ادامه‌ی تقسیم بندی ما از انواع بی‌تفاوتی قابل بررسی است.

بی‌تفاوتی اجتماعی را علاوه بر نگاه آسیب‌شناختی، باید یک واکنش کلی مردم نسبت به ساختارها و موقعیت‌های اجتماعی نیز دانست؛ در واقع تمام عواملی که در بالا ذکر شد بر روی باورها و نگرش‌های مردم تاثیر می‌گذارند و درواقع به مردم زاویه‌ی دیدی میدهند که پیش‌زمینه‌ی برخورد و واکنش آنان می‌گردد.

و نکته‌ی حائز اهمیت دیگر توجه به اصل اطلاع‌رسانی است. این که وسایل ارتباط جمعی تا چه حدی یک موضوع را برجسته نموده و به مخاطبان انتقال دهند. (به طور مثال عملکرد فضای مجازی از جمله شبکه‌ی فیس بوک و وبلاگ‌ها در مورد زلزله‌ی اخیر ذکر شده) در واقع نمی‌بایست از این اصل که رسانه‌ها میتوانند نقش بسیار مهمی در کاهش معضلی به نام بی‌تفاوتی داشته باشند، غافل شد. امروزه شبکه فیس بوک با ۷۰۰ میلیون کاربر نقش مهمی در ایجاد حس مشارکت در جوامع مختلف یافته است و کاربران ایرانی نیز بیشترین کاربران فضای مجازی در منطقه هستند، در نتیجه میتوان از طریق چنین فضاهایی زمینه‌هایی را برای کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی فراهم آورد و همین‌طور میبایست به نقش رسانه‌ی ملی اشاره کرد که اگر میزان سرمایه‌ی اجتماعی رسانه‌ی ملی کاهش یابد، مردم بیشتر مخاطب برنامه‌های ماهواره‌ای خواهند بود و آنچنان که میبایست تحت تاثیر رسانه‌ی ملی و پیام‌های آن قرار نخواهند گرفت؛ همچنین اگر شکاف بین فرهنگ جامعه - که ناظر هم تحت تاثیر آن قرار دارد - و ساختار سیاسی عمیق باشد ناظر رفتار متفاوتی نشان می‌دهد. احساس بی‌قدرتی، عدم رضایت از وضع خود و دیگران، تنفر و نارضایتی از برخی سیاست‌های سیاسی و فرهنگی همه نشانه‌های این شکاف هستند که مانع از همدلی در تمامی موارد می‌شوند. به طور کلی نتایج تجربی حاصل از تحلیل‌های پژوهش، نشانگر آن است که بی‌تفاوتی اجتماعی در مردم هر دو منطقه‌ی

شهری و روستایی وجود دارد و بادر نظر گرفتن میزان آن که از حد متوسط بالاتر است و همچنین توأم شدن آن با میزان بالایی از بی‌هنجاری، نارضایتی اجتماعی، بی‌اعتمادی اجتماعی، احساس بی‌عدالتی اجتماعی و عدم وجود احساس خوداثربخشی، وضعیت نگران‌کننده‌ای را به مثابه یک معضل اجتماعی ترسیم میکند بادر نظر گرفتن این یافته‌ها، ضرورت چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی برای کنترل و کاهش آن قویا احساس میشود.

همانطور از دو نمودار برمی‌آید بی‌هنجاری هم در شهر و هم در روستا بیشترین تاثیر مستقیم را بر بی‌تفاوتی اجتماعی داشته است که میتوان آن را نشانه‌ی نوعی اختلال هنجاری در جامعه دانست به طوری که فرد خود را فاقد نوعی عضویت در جامعه میدانند و احساس فراگیری از ناهماهنگی و عدم تطابق با هنجارهای اجتماعی را تجربه می‌کند؛ در شهر، پس از بی‌هنجاری، متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین تاثیر را بر بی‌تفاوتی اجتماعی دارد که این موضوع نشان دهنده‌ی این است که تا زمانی که شرایط در جهت افزایش اعتماد اجتماعی پیش نرود و شایسته سالاری که جز اساسی‌ترین عوامل افزایش اعتماد اجتماعی و کاهش عوامل موثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی است بر جامعه حاکم نشود و همین‌طور واسطه‌هایی همچون نهادهای مردمی و NGOها فعال نگردند، شاهد از میان رفتن احساس بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح جامعه نخواهیم بود، در روستا نیز پس از متغیر بی‌هنجاری اجتماعی، متغیرهای رضایت اجتماعی، خوداثربخشی اجتماعی و احساس بی‌عدالتی بیشترین تاثیر مستقیم را بر عامل بی‌تفاوتی اجتماعی دارند، که این موضوع نشان دهنده‌ی آن است که تا زمانی که مردم احساس رضایت نکنند و همچنین خود را به مثابه‌ی عاملی مهم و موثر در جامعه قلمداد نکنند و خود را دائما با شرایط اطراف قیاس بکنند و از نتیجه‌ی این قیاس احساس تبعیض و احساس بی‌عدالتی کنند، همچنان نرخ بی‌تفاوتی اجتماعی بالا خواهد بود زیرا همانطور که میدانیم تبعیض در هر جامعه نتیجه نامطلوب تمرکز قدرت است که موجب هرز رفتن استعدادها و تضعیف توان اجتماعی مردم می‌شود که در نتیجه آن، انگیزه‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و بی‌تفاوتی اجتماعی و در نهایت خشونت و پرخاشگری را در پی دارد، که میبایست تبعیضات و احساس بی‌عدالتی اجتماعی را تا سرحد امکان کاهش داد.

همین‌طور بی‌توجهی به مسائل رفاهی مردم و بی‌اعتنایی به نیازهای اجتماعی از عوامل مهم دیگر در کاهش احساس همدلی عمومی است چون همانطور که در متن تحقیق نیز آمده است

- هرچه قدر افراد، دغدغه‌های مالی بیشتری داشته باشند و در راه تامین نیازهای اولیه‌ی خویش برآیند، فرصتی برای مشارکت در امور نخواهند داشت و هرروز بی‌تفاوت‌تر خواهند شد.
- با توجه به مطالب گفته شده، شاید بتوان پیشنهادهای نیز به نهادهای مسئول ارائه کرد؛
- انجام تحقیقی جامع در سطح ملی با حضور متخصصین رشته‌های مختلف.
 - توجه به مسائل اقتصادی و رفاهی مردم و تامین نیازهای اولیه‌ی آنان از جمله برطرف کردن مشکل نبود آب قابل شرب در روستای نظام آباد
 - تسهیل ایجاد و تداوم نهادهای مردمی (NGO) ها و تشویق مردم به عضویت در این نهادها و در نظر گرفتن پاداش اجتماعی برای فعالیتهای دگرخواهانه و نوع دوستانه‌ی مردمی
 - توجه عملی و واقعی به مشارکت مردم.

منابع

- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کلمه
- الوانی، سید مهدی و میرعلی سید نقوی (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴.
- پورنجاتی، احمد (۱۳۸۶) بی‌تفاوتی، نقطه آغاز انحطاط جامعه، درج شده در سایت تابناک قابل دسترس در <http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=3450>
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی
- دال، رابرت، استاین بریکتر، بروس (۱۳۹۲)، تحلیل سیاسی مدرن، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات جاوید
- دواس، دی ای (۱۳۷۶) پیمایش در علوم اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی
- دورکیم، ۱۳۸۲، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه محمدعلی کردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ریتزر، (۱۳۸۴) نظریه جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.
- روحی، زهره، (۱۳۸۹) نظریه به زبان ساده (۳): «بی‌تفاوتی مدنی زیمبل» و فضای اینترنتی، درج شده در سایت انسان‌شناسی و فرهنگ قابل دسترس در <http://anthropology.ir/node/7645>
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶) درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، جلد اول، تهران، نشر کیهان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد ۲، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۷۸) روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگه
- صداقتی فرد، مجتبی، محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۰) پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (43، شماره سوم
- غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت، نشر نزدیک
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۰) پی آمدهای فرهنگی واکنش‌های اجتماعی چیست؟ درج شده در سایت انسان‌شناسی و فرهنگ، قابل دسترس در <http://anthropology.ir/node/11358>
- کاپلان، هارولد، سادوک (۱۳۷۵) واژه نامه جامع روانپزشکی و روانشناسی، گروه مترجمان، تهران، انتشارات بدر
- کفایی سیامک و دیگران (۱۳۸۸) نظرسنجی تلفنی از مردم تهران درباره بی تفاوتی اجتماعی درج شده در همشهری آنلاین قابل دسترس در <http://hamshahrionline.ir/news-85582.aspx>
- کلانتری، صمد و ادیبی، مهدی و همکاران (۱۳۸۶) بررسی بیتفاوتی و نوع دوستی در جامعه‌ی ایران و عوامل موثر بر آن، دوماهنامه‌ی علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، دوره‌ی جدید شماره ۲۲، اردیبهشت ۱۳۸۶
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۷) زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ اول
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۲) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، چاپ دوم
- کوثری، مسعود (۱۳۸۱) آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر نظر شهروندان تهرانی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌ی علوم انسانی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ شانزدهم
- گمپرتس، تئودور (۱۳۷۵) متفکران یونانی، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، ج ۳
- مارکس، کارل (۱۳۸۲) دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران، آگه، چاپ دو
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹) بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، چاپ شده در مجله‌ی معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی

- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۲) **بیگانگی**، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره‌ی ۲ (تابستان)
- مسعود نیا، ابراهیم (۱۳۸۰) **مقاله تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی سیاسی**، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۰
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۸۸) **بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن (مطالعه در بین شهروندان تهرانی)**، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۸۸
- Bandura, A (1986) **Social foundations of thought and action**, Englewood Cliffs, NJ: prentice – Hall Inc.
- Dahl, Robert A. (1983): **Modern Political Analysis**. Third Edition, New Delhi, Yale University
- Dean, D.G. (1960) **Alienation and political Apathy**, social forces, vol.38, no3
- Lipset, Seymour Martin (1963) **Political Man The Social Bases of Politics**, Anchor Books, New York
- Seeman, M (1959) **On the meaning of alienation**, American Sociological Review, vol.24
- Van Snippenburg, Leo B & Peer Scheepers (1991) **Social Class and Political Behavior During a Period of Economic Stagnation : Apathy and Radicalism in the Netherland**, 1985. Political Psychology. Vol 12. No 1.